فصل‌نامه علمی ـ پژوهشی پژوهش‌نامهٔ تاریخ اسلام
سـال هفتم، شماره بیست و هفتم، پاییز ۱۳۹٦
صفحات ۲۵ – ٤۸

عوامل اقتصادی تنش میان صفویه و عثمانی در قفقاز و پیامدهای آن (۹۳۰- ۱۰۳۸/ ۱۵۲۳- ۱٦۲۹م)

جهانبخش ثواقب[۱]
احمد لعبت فرد[۲]

چکیده

قفقاز در طول تاریخ از نظـر موقعیـت جغرافیـایی و تجـاری دارای اهمیـت بـوده‌اسـت. این منطقه به‌سبب عبور راه‌های تجاری، مورد توجه صاحبان قدرت بود. ایـن مزیـت در کنار تنوع اقلیمی موجب رونق کشاورزی، دامپروری، تولید ابریشم و در نهایـت افـزایش نیروی انسانی مولد شد. بـه همـین رو دو همسـایه قدرتمنـد صـفوی و عثمـانی بـرای دست‌یابی به این منطقه با هم به رقابت پرداختنـد. ایـن پـژوهش بـه‌شـیوه توصـیفی- تحلیلی، در صدد بررسی چگونگی تنش‌های اقتصادی دو حکومت مسـلمان در قفقـاز از عهد شاه‌طهماسب اول (حک. ۹۳۰-۹۸۴) تا پایان شاه‌عباس اول (حک. ۹۹۶-۱۰۳۸) و پیامدهای آن است. این پژوهش نشان می‌دهد به‌رغم وجود اهداف مـذهبی و سیاسـی، مهمترین عامل تنش میان دو دولت صفوی و عثمانی بر سر مسئله قفقـاز، انگیـزه‌هـای اقتصادی بوده‌است.

کلیدواژه‌ها: تاریخ اقتصادی قفقاز، جنگ‌های عثمانی- صفوی، قفقاز.

۱. استاد گروه تاریخ دانشگاه لرستان (نویسنده مسئول). Jahan_savagheb@yahoo.com
۲. دانش‌آموخته دکتری تاریخ، پژوهشگر و مدرس دانشگاه. alobatfard@gmail.com
تاریخ دریافت: ۹٦/۰۷/۲۵ تاریخ پذیرش: ۹٦/۱۰/۰۲

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.2.6]

مقدمه

قفقاز به‌عنوان منطقه‌ای مهم و راهبردی از دیرباز افزون‌بر سلسله‌های حاکم بر گستره جغرافیایی ایران، مورد توجه بسیاری از دولت‌های همجوار نیز بوده‌است. وجود اراضی حاصل‌خیز، شرایط آب و هوایی مناسب، عبور راه‌های مواصلاتی و تجاری، وجود منابع و کانون‌های اقتصادی و کشاورزی خاص مثل ابریشم، وجود اجتماعات گوناگون با تنوع قومی و دینی و فرهنگی از قبیل گروه‌های ارمنی، گرجی و مسلمان در این ناحیه، موقعیت نظامی و راهبردی و نقش ارتباطی که قفقاز در پیوند شرق و غرب ایفا می‌کرد، باعث توجه صاحبان قدرت، بازرگانان و بسیاری از حکومت‌ها به این منطقه می‌شد. پادشاهان صفویه نیز تحت تأثیر این شرایط و زمینه‌ها، متوجه اهمیت قفقاز شده و این ناحیه در کانون توجه آنها قرار گرفت. بی‌گمان مزیت‌ها و منافع اقتصادی و وجود مراکز غنی و ثروتمند در این ناحیه و اهمیت راهبردی قفقاز از جمله انگیزه‌های صفویه در توجه به قفقاز بوده‌است. علاقمندی پادشاهان صفوی به تصرف کامل قفقاز و کوتاه نمودن دست عثمانیان از این ناحیه نشان دیگری از درک اهمیت این منطقه از سوی حاکمان صفوی به‌شمار می‌رود.

از سوی دیگر، دولت عثمانی نیز با درک اهمیت فوق‌العاده قفقاز، با هدف تسلط بر آن، برخورداری از منافع این ناحیه، دست‌یابی بر مراکز تولید و کشت ابریشم در قفقاز و رقابت با صفویه، درصدد حضور و نفوذ در قفقاز برآمد. در نتیجه رقابت دو دولت مسلمان در قفقاز، تحولات گوناگونی در این منطقه رخ داد که بخشی از تاریخ قفقاز را رقم زد. این تحولات و پیامدهای ناشی از رقابت طرفین، دارای ابعاد گوناگون سیاسی، مذهبی، فرهنگی و اقتصادی بود که هرکدام درخور اعتنا و تأمل است.

این پژوهش تنها به چالش‌های اقتصادی دو حکومت، علل و پیامدهای آن می‌پردازد. پرسش اصلی پژوهش آن است که عامل تعیین‌کننده ماهیت رویارویی دو دولت صفویه و عثمانی در قفقاز چه بوده‌است؟ در پاسخ، این فرضیه مبنا قرار گرفته‌است که اهمیت اقتصادی قفقاز عامل مهمی در ایجاد تنش میان دو دولت و رویارویی آنها در این منطقه بوده‌است. به این معنا که به‌رغم اهداف سیاسی و مذهبی دو دولت در قفقاز، منابع و منافع اقتصادی این منطقه از یک‌سو، و تسلط بر خطوط ارتباطی و مواصلاتی بین شرق و غرب از سوی دیگر، از علل اصلی رقابت دو دولت صفویه و عثمانی در قفقاز به

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.2.6]

شمار می‌رفت.

این پژوهش از نوع تاریخی است که در مرحله گردآوری اطلاعات، به روش کتابخانه‌ای و در مرحله بررسی، به‌شیوه توصیفی- تحلیلی سامان یافته‌است.

پیشینه پژوهش

به‌رغم پژوهش‌های انجام شده درباره روابط عثمانی و صفویه که گاه به‌عوامل چالش، درگیری و واگرایی دو دولت، یا به چالش‌های ایران و اروپا بر سر مسئله عثمانی پرداخته‌اند و یا اینکه مناسبات مختلف آن دو و معاهدات صلح منعقده میان دو کشور را مورد توجه قرار داده‌اند، اما به‌طور ویژه تنش‌های اقتصادی این دو دولت در منطقه قفقاز در حوزه بررسی پژوهشگران قرار نگرفته‌است. پژوهشگران ترکیه بیشتر به جنبه‌های سیاسی مناسبات صفویه و عثمانی توجه کرده‌اند. عبدالرحمن شرف (۱۳۲۹) در مقاله‌ای به لشکرکشی عثمان‌پاشا به قفقاز و اقدامات او در شماخی و شروان و کشتار مردم پرداخته‌است. گوگچه (۱۳۷۳) به استناد اسناد بایگانی‌های ترکیه، در کتاب *قفقاز و سیاست امپراطوری عثمانی*، بیشتر بر نقش عثمانی در قفقاز متمرکز شده‌است. گندگدو (۱۳۸۸) در مقاله‌ای، به عثمانی و تجارت جهانی پرداخته و طرح‌های این دولت را برای بازگشت به سرمایه تاریخی بررسی کرده‌است. بکیر کوتوک‌اوغلو (۱۹٦۲م) در کتاب *مناسبات سیاسی عثمانی- ایران*، گوشه‌هایی از درگیری‌های دو کشور را مطرح کرده‌است. منیر آق‌تپه (۱۹۷۰م) *مناسبات عثمانی و ایران* را در سال‌های ۱۷۲۰ تا ۱۷۲٤م، ایام زوال صفویه، بررسی کرده‌است. فخرالدین کیرزی‌اوغلو (۱۹۷٦م) به فتح قفقاز از سوی عثمانی پرداخته‌است. در پژوهش‌های ایرانی نیز به این موضوع به‌صورت بایسته توجه نشده‌است. زهرا رضایی (۱۳۸۸ش) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، به‌نقش قفقاز در روابط ایران و عثمانی در سده دهم پرداخته و صرفاً بر مسائل سیاسی متمرکز است. احمد لعبت‌فرد (۱۳۸۹ش)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران نیز به «رویارویی‌های صفویان و عثمانیان در قفقاز از شاه‌طهماسب یکم تا پایان فرمانروایی شاه‌عباس یکم» پرداخته‌است. حمید حسینی (۱۳۸۸، ۱۳۸۹ش) در سه مقاله به‌اجمال عوامل فرهنگی- مذهبی، عوامل سیاسی- اجتماعی، و عوامل اقتصادی تنش میان صفویه و عثمانی را مطرح کرده که تمرکز آن بر قفقاز نیست. ثواقب

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.2.6]

و لعبت‌فرد (۱۳۹٦ش) نیز در مقاله خود، رویارویی مذهبی صفوی و عثمـانی در قفقـاز را در سال‌های ۹۳۰– ۱۰۳۸ق/ ۱۵۲۳– ۱٦۲۹م، واکاوی کرده‌اند. بدین‌ترتیب، پـژوهش حاضر متمایز از موارد نام‌برده شده، عوامل اقتصادی تنش میان صفویه و عثمـانی را بـر سر قفقاز بررسی کرده و می‌تواند گامی در شناخت تحولات قفقاز و رقابـت اقتصـادی دو قدرت مزبور در این ناحیه باشد تا این کمبود پژوهشی را برطرف کند.

تعریف مفهومی

قفقاز[1] سرزمینی است کوهستانی در شمال‌غرب ایران که بین دو دریای سیاه و خـزر واقع شده و فلات ایران را به دشت‌های روسیه از یک‌سو، و نیز کرانه‌های دریای سـیاه و ماوراء قفقاز از سوی دیگر، مرتبط کرده و در مرز آسـیا و اروپـا قـرار دارد. قفقـاز از لحاظ نژادی، زبانی و مذهبی از متنوع‌ترین نواحی جهان به‌شمار می‌رود (امیراحمـدیان، ۷، ٤۷؛ برجیان، ٦، ۱٦– ۱۷). این منطقه به‌واسطه رشته‌کـوه قفقـاز بـه قفقـاز شـمالی و جنوبی تقسیم می‌شود (درباره اوضاع جغرافیایی و مذهبی قفقـاز، نـک. ثواقـب، ۲۵۷– ۲۵۵.) در منابع ایرانی که از جنوب – شمال به قفقاز نگریسته می‌شود به قفقـاز شـمالی ماوراء قفقاز و در منابع روسی با نگاه شمال– جنـوب، بـه قفقـاز جنـوبی ماوراءقفقـاز می‌گویند. مناطقی که در متـون فارسـی قفقـاز نامیـده مـی‌شـود شـامل سـه جمهـوری آذربایجان، گرجستان و ارمنستان است. بعضی، نواحی دیگری چون جنوب داغسـتان و سرزمین اوستی جنوبی را نیز به این مناطق مربوط دانسـته‌انـد. ولـی دیگـر نـواحی، در محدوده ماوراءقفقاز یا قفقاز شمالی آمده‌اند (رضا، ۱۱؛ امیراحمدیان، ۷).

اهمیت اقتصادی قفقاز

۱. رونق اقتصادی

شهرها و سکونت‌گاه‌های متعدد ناحیه قفقاز اعـم از نـواحی شـمالی یـا جنـوبی آن به‌ویژه وجود شهرهای مهمی همچون دربند، شروان، شماخی، داغستان، قره‌باغ، تفلیس و ایروان نشان‌دهنده اهمیت جامعه شـهری، مزایـای طبیعـی و اجتمـاعی و نیـز رونـق اقتصادی و کشاورزی در قفقاز به‌شمار می‌رود. در عهد صفویه، وجـود رودخانـه‌هـای

1. Caucasus

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.2.6]

متعدد، راه‌های بازرگانی و مواصلاتی مهم، رونق کشاورزی و دامپروری و پرورش کرم ابریشم از ویژگی‌های برجسته اقتصادی قفقاز بوده‌است. انشعابات متعدد رودهای کُر و ارس، در مسیر خود در شهرهای تفلیس، گنجه، قره‌باغ و شماخی، دشت‌های حاصل‌خیز و زمین‌های قابل کشت فراوانی به‌وجود آورده‌بود (*اسنادی از روابط ایران با منطقه قفقاز*، ٤٠؛ تاورنیه، ٥١–٥٠). محصولات کشاورزی و محلی قفقاز در این عصر از شهرت فراوان برخوردار بوده‌اند، که از آن جمله می‌توان به ابریشم، انگور، میوه، چوب و روناس، اشاره کرد (نک. کنتارینی، ١٦٧– ١٦٦؛ اولئاریوس، ١/ ٤٣٧، ٤٧٢– ٤٧١، ٢/ ٥٩١– ٥٩٠؛ جملی کارری، ٢٥– ١٦). روناس ارس از کالاهای اصلی و مشهور این منطقه، که در رنگرزی کاربرد دارد، در ایران و هندوستان تجارت عمده‌ای از آن صورت می‌گرفت (تاورنیه، ٦٣). گندم، گُم[1] ، عسل و شراب، از دیگر تولیدات مهم قفقاز بوده‌است (شاردن، ١/ ٣٠٣). از ناحیه مینگرلی در قفقاز، برخی کالاها مانند چرم، پوست گوسفند و مقدار زیادی موم زرد، ریسمان کتانی و ابریشم زِگم[2] به نقاط دیگر صادر می‌شده‌است. مردم این ناحیه همچنین مقدار زیادی برده به‌فروش می‌رساندند (ممبره، ١١). از زگم شهر اصلی گرجستان، هرساله مقدار زیادی آجیل ممتاز و پوست نازک شبیه فندق‌های انگلیسی، به‌حجم سالانه چهارهزار بار شتر، به ایران صادر می‌شده‌است (پلامتری، ١٩٧).

از طرفی، به‌دلیل رونق دامپروری، در قفقاز تجارت پوست دام در کنار پوست خز، سمور و روباه اهمیت داشته‌است. صادرات انواع پوست که در انحصار دولت روسیه بود، از مسیر قفقاز، از طریق ولگا و دریای‌خزر، به ایران صورت می‌گرفت (اولئاریوس، ١/ ١٨٧، ١٨٩؛ فن دریابل، ٨٠؛ فریر، ٢٢١). کانون اصلی تجارت پوست دام در سیبری قرار داشت. این کالای صادراتی به‌منظور تهیه دستکش، کلاه، چکمه و شال مورد استفاده قرار می‌گرفت و در داد و ستد با ایران، با ابریشم و پارچه و خشکبار مبادله می‌شد. از همین مسیر ولگا نیز ابریشم خام، حریر، پارچه‌های نخی، چرم و سنگ‌های

١. Gom: نوعی گیاه شبیه گشنیز و دانه‌های شبیه ارزن که در فصل بهار مانند برنج کشت می‌شود و از محصولات عمده و غذای اصلی مردم قفقاز بوده است (شاردن، ١/ ١١٨).

٢. Zegam/Zagem : شهری در جنوب کاختی گرجستان.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.2.6]

قیمتی از ایران به روسیه صادر می‌شد (فوران، ۷۲). بنابر گزارشی در سده نهم/ پانزدهم میلادی، عده فراوانی از بازرگانان تاتار همه‌ساله از هشترخان (آستاراخان/ آستراخان/ حاجی‌طرخان) پارچه‌های ابریشمی و قماش‌های نخی برای مبادله با خز، پوست، شمشیر، زین و لگام و دیگر نیازمندی‌ها، به روسیه حمل می‌کردند. این تاتارها در بازگشت، کالاهای خریداری‌شده را در دربند می‌فروختند. بازرگانانی نیز برنج، ابریشم و قماش به هشترخان می‌بردند تا در بازار این شهر به روس‌ها عرضه کنند. در گذشته از هشترخان ادویه نیز به ونیز صادر می‌شد (کنتارینی، ۱٦۹، ۱۷٤؛ جنکینسون، ٥٦). مردم دربند با خرید برده از تاتارها و فروش آنها در ایران درآمد زیادی به‌دست می‌آوردند و برده کالای اصلی شهر دربند بود (اشترویس، ٥٦). تاتارها حتی اعضای خانواده خود را نیز در مقابل مبلغی ناچیز می‌فروختند. پدر فرزندانش را، شوهر زنانش را، ارباب رعایا و اسیرانش را در مقابل چند رأس حیوان می‌فروختند (فن دریابل، ٤۲، ٤۳).

قفقاز مرکز تولید و تجارت ابریشم، کالای کلیدی و صادراتی بود که از مسیرهای گوناگون و توسط گروه‌های مختلف از جمله تجار محلی، ارامنه و بازرگانان روسی به سایر نواحی صادر می‌شد. بخشی از طریق شمال قفقاز به اروپا و بخشی از مرزهای عثمانی از طریق حلب و بخشی از طریق جنوب ایران و بیشتر خلیج فارس به اروپا حمل می‌شد. کلیساهای نواحی مسیحی‌نشین قفقاز و اهمیت اقتصادی و اجتماعی آن و وجود نیروی انسانی فراوان که می‌توانست در حوزه نظامی مورد استفاده قرار گیرد نیز بر اهمیت اقتصادی قفقاز می‌افزود.

۲. مسیرهای مواصلاتی

مسیرهای مواصلاتی قفقاز، نقش این منطقه را به لحاظ بازرگانی و اقتصادی با اهمیت می‌کرد. جاده ابریشم از طریق شمال دریای خزر به منطقه سرای و از طریق مسیر دشت قبچاق وارد منطقه قفقاز می‌شد. قسمت فرعی این جاده از راه سمرقند به خوارزم و از آن‌جا به سرای آستراخان و از طریق این مسیر به بندر دن[1] در کنار دریای آزوف[2] (شاخه شمالی دریای سیاه) وصل می‌شد (باستانی پاریزی، ۱۲۰). ترابوزان[3] و

1 . Dvina
2 . Azov
3 . Trabzon

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.2.6]

بندر باتومی[1] در گرجستان دروازه‌های تجارت ایـران بـا دریـای سـیاه، روسـیه، دشـت قبچاق و قفقاز بودند. مسیرهای ارتباطی و تجاری مناطق اطراف دریای خزر و رودخانه ولگا به سمت اروپا از ناحیه قفقاز عبور می‌کرد. این مسیرهای تجاری در بخش ایران و در استان گیلان از طریق ارتباط دریایی، بنادر گیلان را به هشترخان در شمال‌غربی خزر و در کرانه قفقاز پیوند می‌داد. سپس از طریق رود ولگا به ناحیه اوکـراین متصـل و در ادامه به راه‌های منتهی به اروپای شرقی و مرکزی وصل می‌شد. سـیاحانی کـه از مسـیر قفقاز به ایران آمده‌اند توصیفی از مسیر مسکو تا ایران، شهرهای بـین راه و فهرسـتی از محصولات دامی و کشاورزی آن به‌دست داده‌اند که برای شناخت این مسیر مفید است (اولئـاریوس، ۱/ ٤٥٠– ۱؛ ۵۳٦/۲– ٤٥٥؛ فـن دریابـل، ٤٤– ۳۷؛ جنکینسـون، ٦٠– ٤٦؛ کاتف، ٤٧– ۳٦). در مواقع بحرانی، وضعیت جنگی و بسته بودن راه عثمانی و سـواحل مدیترانه، مسیر ولگا به مسیر انتقال کالا و صادرات تبدیل می‌شد که از طریق اردبیل بـه قفقاز و بنادر دریای سیاه ارتباط داشت. مجاورت گیلان، از کانون‌های اصـلی ابریشـم، با شماخی دیگر مرکز تولید ابریشم در قفقاز نیز نقشی مهم در ارتقاء اهمیت این راه‌های تجاری داشـت (تاورنیـه،۷٦؛ کـاتف، مقدمـه، ۱۱، ٤٧). در همـین مسـیر هرسـاله مـال‌التجـاره فراوانی از ارمنستان، گرجستان، قفقاز و دربند به اردبیل وارد می‌شد (دلاواله، ۳٦۷).

۳. کانون‌های راهبردی تجاری

ارمنستان یکی از نواحی قفقاز، منطقه مرزی و راهبردی و از مهـم‌تـرین کـانون‌هـای تجاری قفقاز و معبر قافله‌های تجاری بود. در قفقـاز تجـار ارمنـی بخـش عمـده‌ای از تجارت این ناحیه و به‌ویژه تجارت با روسیه را در اختیار داشتند (تاورنیـه، ۲۳۰، ۳۵۸). این ناحیه چنان اهمیت تجاری داشت که صدی شانزده از عواید گمرکی آن سالیانه بـه بیست‌ویک هزار تومان بالغ می‌شد (همان، ۵۰). ایـن سـرزمین بسـیار حاصـل‌خیـز، بـا چراگاه‌هایی پرعلف و دارای معادنی سرشار بود و مرکز صنعت یـا فلزکـاری بـه‌شـمار می‌رفت. جاذبه طبیعی و ثروت ارمنستان، دیگر اقوام را به‌سوی آن جـذب مـی‌کـرد. از سویی، ارمنستان با قرارگرفتن بر سر راه تجارتی بسیار مهم جاده ابریشم، به‌عنوان یکـی از منزل‌های سرراهی این جاده، خاوردور و آسیای مرکزی را از طریق زمینی بـه اروپـا

1 . Batumi

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.2.6]

وصل می‌کرد. در این سرزمین، پنبه، ابریشم و انواع میوه‌ها به‌فراوانی تولید می‌شد (فن دریابل، ٦٦- ٦٣؛ پاسدرماجیان، ١٣- ٩). یکی از روستاهای ارمنستان به‌نام خلاط (اخلاط) سالانه پانصد و در مواقعی هزار بار قاطر ابریشم به حلب صادر می‌کرد و از آنجا از طریق ونیزی‌ها به اروپا صادر می‌شد (ویلز، ١٧٠).

گرجستان با ایالاتی چون مسق، کارتیل و کاخت در حوزه نفوذ ایران (نک. مستوفی بافقی، ٣٥٥- ٣٤٧) و یکی از نواحی مهم تولیدکننده ابریشم بود (پلامتری، ١٩٧). گرجستان با داشتن موقعیت کشاورزی، نیروی انسانی کارآمد، تسلط بر راه‌های آناتولی و موقعیت راهبردی مناسب در شرق دریای سیاه (وجود بنادر باتومی و ترابوزان) از لحاظ اقتصادی حائز اهمیت بود.

ایالت شروان با مرکزیت شماخی از دیگر مناطق آباد و ثروتمند در قفقاز بود و تسلط بر آن‌جا از لحاظ اقتصادی دارای منافع فراوان و نیز از لحاظ جغرافیایی و نظامی بسیار مهم و حائز اهمیت بود. این ایالت در این زمان از رود کُر تا دربند در غرب و شامل اَرَش و شکی، دارای استحکامات و قلاعی مهم بود (مستوفی بافقی، ٢٧٤- ٢٦٥) که این منطقه را هم‌چون حصاری بزرگ در برابر مهاجمان محفوظ نگاه می‌داشت. دراختیار داشتن شروان سبب نفوذ و حاکمیت در ارمنستان و نواحی شرقی گرجستان می‌شد. از نظر اقتصادی، شروان دارای لنگرگاه‌ها و باراندازهای ساحلی پررونق مانند دربند و باکو بود و امکان ارتباط دریایی با اقوام ساکن در سواحل دریای خزر از طریق رودخانه خزر (ولگا) با دریای سیاه را فراهم می‌کرد. از لحاظ آب فراوان، زمین‌های مستعد کشاورزی، باغستان‌ها و جنگل‌ها وضعیت مطلوبی داشت و بازرگانان در این منطقه به تجارت پوست، برنج، غلات، پنبه و ابریشم می‌پرداختند (سلماسی‌زاده، ١٢٠). بنابراین، شروان صرف‌نظر از موقعیت سیاسی، به‌خاطر داشتن نفت، ابریشم، نمک و برنج نیز واجد اهمیت بود (بارتولد، ١٣٥). در شهر اَرَش مهم‌ترین مرکز تجاری شروان، مقدار زیادی ابریشم تولید می‌شد. تُرک‌ها، سوری‌ها و دیگر خارجی‌ها برای خرید ابریشم به این شهر رفت و آمد می‌کردند. کالاهای متعدد و باکیفیتی مانند: مازوی زبر و نرم، پنبه، ابریشم خام و زاج سفید در شروان تولید می‌شد و انواع و اقسام ادویه‌جات، دارو و دیگر کالاها نیز از هند به آن‌جا آورده می‌شد (جنکینسون، ١٠١- ١٠٠؛ پلامتری،

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.2.6]

۱۹۷). در بازار بزرگ شماخی، کالاها و مصنوعات گران‌قیمتی مانند ابریشم، کتان، خز، پارچه‌های سیم‌بفت، زربفت و دیگر منسوجات مبادله می‌شد. تمام بازرگانان خارجی در انبارهای اطراف این بازار به خرید و فروش مشغول بودند. روس‌ها کالاهای خود از جمله قلع، مس، پوست سمور و سایر کالاها را به فروش می‌رساندند. لزگی‌ها و تاتارها به تجارت کالاهای اصلی خود، بَرده (زنان، مردان و کودکانی که از قوم خود و روس‌ها می‌ربودند) و اسب می‌پرداختند. یهودی‌ها نیز به تجارت وسایل خواب و کتان اشتغال داشتند (اولئاریوس، ۲/ ٤٧٣؛ اشترویس، ٧٦– ٧٥). از گیلان زاج سفید به شماخی آورده می‌شد و هر مَنِ آن به بهای یک بیستی (از سکه‌های دوره صفوی معادل بیست دینار) به فروش می‌رسید (ادواردز، ۱۳۸). نفتی که از زمین‌های باکو به فراوانی می‌جوشید درآمد هنگفتی را عاید خزانه صفوی می‌کرد (دلاواله، ١٤٥؛ کمپفر، ۱۱۷). این مواد نفتی، روغن سیاه و روغن سفید (قیر، نفت)، از باکو به دورترین نقاط ایران برای سوخت در منازل حمل می‌شد (پلامتری، ۲۰۸؛ اولئاریوس، ۲/ ٦٣٣).

اهمیت و مزایای اقتصادی قفقاز برای صفویه

رقابت با دولت عثمانی و تلاش برای ایجاد راه‌های تجاری و بازرگانی جدید خارج از قلمرو عثمانی نه فقط برای ایران، بلکه برای سایر رقبای عثمانی به‌ویژه رقبای اروپایی آن نیز از اهمیت فراوانی برخوردار بود. صفویان به‌شدت در پی ایجاد راه‌های جدید برای برقراری تجارت و بازرگانی با غرب بودند. ناحیه قفقاز برای برقراری روابط تجاری و بازرگانی با غرب و ماوراء قفقاز، صفویه را از راه‌های عثمانی بی‌نیاز و در گسترش بازرگانی ایران با غرب مؤثر بود. دولت صفویه از همان ابتدا درصدد تثبیت حاکمیت خویش در قفقاز بود و این موضوع را هم‌چون یک اصل راهبردی پی‌گیری می‌کرد. قفقاز منطقه‌ای مساعد و مطلوب برای نیات پادشاهان صفوی بود. ضعف و عدم اتحاد حکام آنجا موجب جلب منافع و منابع اقتصادی و نیروی انسانی فراوان برای صفویه می‌شد. از سویی، قفقاز مرکز اصلی تولید ابریشم خام بود، کالایی که تولید و تجارت آن نقش عمده‌ای در روابط تجاری و سیاسی ایران با ممالک دیگر ایفا می‌کرد و در اقتصاد کشور به‌عنوان کالایی راهبردی مورد توجه جدی قرار داشت.

در واقع تنوع اقلیمی و جمعیتی، امتیاز راهبردی (وجود راه آبی ایجاد شده از

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.2.6]

تنگه بسفر، دریای مرمره و مدیترانه) و منافع سرشار مالی، قفقاز را به منطقه کشمکش میان ایران و عثمانی تبدیل کرد و به واکنش‌های سیاسی و نظامی طرفین منجر شد (گوگچه، ۱۱). در زمان شاه‌اسماعیل اول (۹۰۷– ۹۳۰ / ۱۵۰۲– ۱۵۲٤م) با فتح شروان و سپس توجه به قره‌باغ و گرجستان گام نخست ورود و نفوذ صفویه در منطقه قفقاز به‌منظور استفاده از منافع و مزایای اقتصادی آن برداشته شد. این سیاست در دوره شاه‌طهماسب اول (۹۳۰– ۹۸٤ /۱۵۲٤– ۱۵۷٦م) نیز ادامه یافت و در جریان لشکرکشی به گرجستان در سال ۹۵۸ / ۱۵۵۱م به تصرف کلیسای ثروتمند وردزیا و ناقوس هفتاد منی آن کلیسا دست زد و درهایش را به قلع تبدیل و به خزانه صفوی برد (روملو، ۳/ ۱۳۳۱؛ منشی، ۱٤۱/۱).

گرجستان در کرانه دریای سیاه به‌منزله دروازه ورودی قفقاز و ایران به‌شمار می‌رفت. اهمیت گرجستان به‌لحاظ موقعیت سیاسی و راهبردی، صفویان را بر آن می‌داشت که حاکمیت خود را بر این ایالت تثبیت کنند و آن را در زمره قلمرو خویش نگه دارند. زیرا با تسلط بر آن، مانع از نفوذ و پیشروی عثمانی‌ها و یا روسیه به قفقاز می‌شدند و به اهداف راهبردی خود که همانا دور زدن خطوط مواصلاتی و تجاری عثمانی بود دست می‌یافتند. بنابراین، یکی از عوامل اختلاف ایران و عثمانی در دوره صفویه بر سر تسلط بر گرجستان و به‌طور کلی منطقه قفقاز بود که هر دو دولت خواهان آن بودند. کسانی که بر گرجستان تسلط می‌یافتند، به‌راحتی راه‌های تجاری آناتولی را تحت نظارت خود داشتند.

موقعیت مهم اقتصادی ارمنستان در قفقاز نیز اهمیت سیاسی آن را بیشتر می‌کرد و آن را اغلب به میدان جنگ و مبارزه قدرت‌های هم‌جوار تبدیل می‌کرد (اولئاریوس، ۲/ ۵۹۱). ایران و عثمانی بارها بر سر تصرف ارمنستان با هم درگیری داشتند. ترکان عثمانی می‌کوشیدند که بر سرتاسر این سرزمین تسلط یابند اما پیوسته حملات ایشان در برابر مقاومت سپاهیان ایران دفع شده و ناچار به عقب‌نشینی می‌شدند (شاردن، ۱/ ۳۹۷). براساس گزارش سیاح فرانسوی، ارمنستان بیش از یک سده میدان تاخت‌وتاز و جنگ و ستیز سپاهیان عثمانی و ایران بود و از ویرانی، مصادره و غارت ناشی از آن زیان دید (نک. تاورنیه، ۵۰). در لشکرکشی‌های صفویان به قفقاز، گروه‌های زیادی از

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.2.6]

گرجیان، ارامنه و چرکس‌ها جذب شده و به‌عنوان نیـروی جدیـد وارد سـاختار دولـت صفوی شدند.

از سـویی، قفقـاز دارای کلیسـاهای متعـدد و غنـی، مراکـز تولیـد ابریشـم، راه‌هـای مواصلاتی و کاروان‌رو بود و اخذ عواید گمرکی از این مناطق برای دولت صـفویه نیـز درآمد فراوانی ایجاد می‌کرد. بخشی از ضرابخانه‌های ایران در شمال‌غرب، نظیر تفلیس، ایروان، داغستان، شماخی، شروان، دربند، گنجه، نخجوان، پناه‌آبـاد (در قفقـاز) و تبریـز (نک. عقیلی، ٤٢١) در منطقه مرزی بـا امپراتـوری عثمـانی و روسـیه کـه از طریـق آن بیشترین فلز گران‌بها وارد قلمرو صفویه می‌شد، تمرکز داشت. به‌دلیل کمبود معادن نقره در کشور، تمام موجودی نقره مورد استفاده در داخل، می‌بایست از خارج وارد می‌شـد. تمام شمشی که ضرابخانه‌های ایران برای ضرب سکه به‌کار می‌بردند از طریق آنـاتولی، عثمانی و تا حدی کم‌تر از راه روسیه وارد کشور می‌شد. با وارد شدن فلز گـران‌بهـا از این مناطق، تراز بازرگانی ایران با امپراتوری عثمانی و روسیه مثبت می‌شد. عثمـانی‌هـا گاه صادرات شمش به ایران را تحریم می‌کردند که موجب مشکلات اقتصادی و کاهش پول بـرای دولـت صـفوی مـی‌شـد (متـی، ٥٧-٥٥، ١٥٩- ١٥٦). عایـدی و دوام ایـن ضرابخانه‌ها و پایداری جریان ورود نقره به ایران برای صفویه مهم بود. تثبیت موقعیـت صفویه در قفقاز در رقابت با دیگر قدرت‌های هم‌جوار به ایـن هـدف کمـک مـی‌کـرد. صفویه هم‌چنین به‌دنبال ارتباط با روسیه به‌عنـوان همسـایه شـمالی قفقـاز و ایجـاد راه شمالی از طریق دریای‌خزر - ولگا برای انتقال کالاها از قفقـاز بـه اروپـا بـود. واردات صفویه از طریق قفقاز پوست خز، سنجاب و مقادیر زیادی عرقیجات و بازهای شکاری از روسیه بود و در برابر، پارچه‌های ابریشمی، ابریشم خام، چرم ساغری و خشکبار بـه روسیه ارسال می‌شد (تاورنیه، ٦٠١- ٦٠٠؛ شاردن، ٢/ ٩٠٤- ٩٠٢).

تجارت با روسیه به‌ویژه پس از تصرف هشترخان در سال ٩٦٣/ ١٥٥٦م توسط تـزار ایوان چهارم معروف به مخوف (٩٤٠- ١٥٣٣/٩٩٢- ١٥٨٤م) دارای اهمیـت شـد، زیـرا مسیر تازه‌ای برای صدور ابریشم به اروپا به‌دست آمده‌بود و از سویی، به تقویت موضع صفویه در مقابل اِعمال فشارهای دولت عثمانی منجر می‌شد. اهمیت هشترخان به‌عنوان نقطه‌ای محکم در مسیر راهی از دریای سفید به خزر و ارتباط‌دهنده اروپا به آسیا، و نیز به‌عنوان جنوبی‌ترین نقطه اتکای روسیه، منافع عثمانی را در نواحی قفقاز تهدید می‌کرد.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.2.6]

تلاش صفویان بر این بود که بخشی از تجارت خود را از موقعیت شرق- غرب به محور شمال- جنوب تغییر جهت داده، (فریر، ۲۲۳- ۲۲۲) بدین طریق آن را از مهار ترک‌ها رها ساخته و از راه دریای خزر و ولگا بازرگانی خود را توسعه دهند.

تغییر مسیر تجاری و گشایش راه شمالی هشترخان و ولگا، این مسیر را برای روس‌ها از نظر تجاری و ترانزیت و برای صفویه از لحاظ سیاسی و اقتصادی دارای اهمیت کرد. این طرح به اهداف صفویه نزدیک بود. زیرا صفویه در اندیشه ورود به بازار جهانی و ارتباط مستقیم با اروپا و عدم پرداخت حقوق گمرکی گزاف به دولت عثمانی بود و روسیه نیز به‌دنبال استفاده از منافع تجاری قفقاز بود (نک. جنکینسون، ٥٤- ٤٨؛ پیگولوسکایا، ٤٨٦، ٥١٢؛ فوران، ٦٨). مسیر تجاری قدیمی عثمانی به‌دلیل اختلافات سیاسی و عوارض گمرکی گزاف مقرون به صرفه نبود، از این رو صفویه در پی مسیرهای جدید بود (نک. دالساندری، ٤٧٥؛ فلسفی، ٥/ ١٥٩٤) و به توسعه مسیر خزر - ولگا- آستراخان و ارتباط تجاری با روسیه و از طریق روسیه با اروپا پرداخت. به‌دلیل استفاده از مزایا و اهمیت اقتصادی قفقاز در این دوره بود، که انگلیسی‌ها سعی در گشودن راه تجاری روسیه و ایران از طریق دریای شمالی اسکاندیناوی تا آرخانگل[1] داشتند. شرکت مسکوی[2] در زمان شاه‌طهماسب با فرستادن آنتونی جنکینسون (درسال ٩٦٨/ ١٥٦١م) خواهان ایجاد ارتباط تجاری از طریق قفقاز با صفویه شد (جنکینسون، ٦٠- ٤٦؛ کاتف، مقدمه، ١٠- ٩).

گسترش تجارت در مسیر قفقاز از طریق ولگا ـ بحرخزر ـ شماخی و گیلان برای صادرات و واردات کالاهای اساسی مانند خز، چرم خام، چیت و ماهوت، پارچه، آهن، مس و مصنوعات فلزی، شیشه و مصنوعات شیشه‌ای، پوستین، کاغذ تحریر، شکر، عسل، موم، ودکا، خاویار، ماهی و اسلحه اقدامی مهم و اساسی به‌شمار می‌رفت (پیگولوسکایا، ٥٤٤). تجارت بین‌المللی که از این مسیر به‌عمل می‌آمد وسیع و متنوع بود. پارچه‌های زربفت، تافته، چرم دباغی‌نشده، چرم مراکشی، مخمل و بالاتر از همه ابریشم، از طریق گیلان به مسکوی و از آن‌جا به لهستان و کل اروپا صادر می‌شد. نتیجه این شد که ایران در تجارت ابریشم در زمان شاه‌عباس اول مقام شایانی به‌دست آورد

1 . Arkhangelsk
2 . The Muscovy Company

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.2.6]

(سیوری، ۱۹٤) و بعضی از بازرگانان ایرانی حتی در سوئد و چین عامل یا نماینده داشتند (شاردن، ۹۰٤/۲). مال‌التجاره‌ای که از طریق روسیه به انگلیس می‌رفت و خاص ایران بود، ابریشم خام، فلفل، زنجبیل، جوزهندی، بسباسه[1]، دارچین، گوگرد، زاج سفید، برنج، مازو، میخک و چوب تیر را شامل می‌شد (فریر، ۲۲٦). امنیت مطلوب در مسیر دریای خزر – ولگا سبب توسعه روابط ایران و روسیه شد. از طرفی قفقاز و ابریشم آن و نقش بازرگانان ارمنی (نک. متی، ۱۱۷– ۱۱۱) در فروش این کالا و صادرات آن بی‌گمان یکی از علل رونق و گسترش بازرگانی در عهد صفویه، به‌ویژه در دوره شاه‌عباس اول، از طریق قفقاز بوده‌است، زیرا بازرگانان ارمنی به‌سبب اشتراکات مذهبی، با اروپاییان و روس‌ها ارتباط نزدیکی یافته بودند. بنابراین، راهبرد توسعه صادرات، توجه به مسیرهای جدید، توجه جدی به کالاهای اساسی مانند ابریشم و مناطق تولید این کالا به‌عنوان اولویت اساسی در برنامه اقتصادی و بازرگانی صفویه قرار گرفته بود. قفقاز در برنامه‌های اقتصادی و تجاری صفویه جایگاه مهمی را به‌سبب توانمندی‌های جغرافیایی و بازرگانی کسب کرده بود. همین جایگاه قفقاز توجه هر دو دولت ایران و عثمانی را جلب کرده بود و هر دو قدرت به‌دنبال حذف حکام محلی یا وادارکردن آنها به تمکین بودند (دهقان‌نژاد، ۳۰٦).

اتخاذ سیاست انحصار ابریشم برای برقراری موازنه در تجارت خارجی و ورود مسکوکات بیشتر به داخل و جلوگیری از صادرات بی‌رویه ابریشم و ضربه به اقتصاد عثمانی، از سوی شاه‌عباس اول (۹۹۵–۱۰۳۸ /۱۵۸۷–۱٦۲۹م) دنبال می‌شد. شاه‌عباس که در اندیشه اعاده حاکمیت کامل ایران بر ناحیه قفقاز و مهار آن و تسلط بر ایالات ابریشم‌خیز حاشیه دریای‌خزر بود، متوجه مناطق شروان و گرجستان شد. اما این مناطق از زمان محمد خدابنده (۹۸۵–۹۹۵ /۱۵۷۸–۱۵۸۷م) زیر نفوذ دولت عثمانی بودند و عثمانی‌ها با استفاده از این فرصت بر راه‌های بازرگانی و خطوط مواصلاتی قفقاز تسلط یافته بودند. اخراج عثمانی از این مناطق به نیروی انسانی و پشتوانه مالی جهت حمایت از این نیروها نیاز داشت. هم‌چنین شاه‌عباس برای مقابله با دولت عثمانی تلاش کرد روابط خود با اروپا را گسترش دهد. شاه‌عباس برای تقویت تجارت خارجی و کاهش

1 . Mace

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.2.6]

تعرفه‌های گمرکی که دولت عثمانی در شرایط بحرانی آن را افزایش می‌داد، صادرات ابریشم از مسیر عثمانی را متوقف و به روسیه پیشنهاد همکاری علیه عثمانی داد (پیگولوسکایا، ۵۱۲). همچنین ارامنه را که در مرز مجاور با گرجستان و در معرض تاخت و تاز عثمانی، دارای مهارت خاص در تولید و تجارت ابریشم بودند، به مازندران و اصفهان مهاجرت داد و آنها را به تجارت، به‌ویژه تجارت ابریشم تشویق نمود (دلاواله، ۳٦، ۱۷۱– ۱۷۰؛ تاورنیه، ٥٦، ٤۰۰). وی بیست‌وهفت هزار خانوار ارمنی را نیز به گیلان سرزمین ابریشم منتقل کرد (تاورنیه، ٥٦). این تجار و بازرگانان ارمنی که از قفقاز به درون ایران منتقل شدند، در اندک زمانی به حلقه‌های واسطه‌ای و کلیدی در تجارت داخلی و خارجی صفوی تبدیل شدند و تجارت کشور را قبضه کردند (دلاواله، ٤۹؛ ادواردز، ۱٤۹– ۱٤۷؛ چاپمن، ۱۸۱، ۱۸۲). بدین‌ترتیب صفویان از ابتدای تأسیس دولت برای نفوذ بیشتر و تصرف قفقاز جنوبی تلاش‌های گسترده‌ای به‌کار بستند. گرچه گاه به‌دلیل مشکلات داخلی، کنترل این منطقه از دست آنان خارج می‌شد، اما اهمیت این ناحیه برای صفویه سبب تسلط دوباره این دولت بر قفقاز می‌شد که در زمان شاه‌عباس اول پس از فترت دوره محمدخدابنده، چنین شد.

منافع اقتصادی عثمانی در قفقاز

توانمندی‌های اقتصادی و بازرگانی و موقعیت ویژه جغرافیایی و دیگر عوامل باعث شد تا قفقاز برای دولت عثمانی نیز دارای اهمیت باشد. عثمانیان برای توجه به قفقاز دارای اولویت‌های خاصی بودند. این اولویت‌ها از تلاش برای عدم نفوذ روسیه، عدم تماس بازرگانی و تجاری بین صفویه و روسیه، ترس از نفوذ روسیه به دریای سیاه و تسلط بر تنگه‌های راهبردی مجاور دریای سیاه، تا تسلط بر نواحی تولیدی ابریشم، کنترل بر مسیرهای تجاری و زیارتی ماوراءالنهر به قفقاز و رقابت با صفویه را شامل می‌شد.

در سده دهم/ شانزدهم میلادی، دولت عثمانی در تجارت، کشتی‌رانی و حمل و نقل زمینی و دریایی دارای موقعیت ویژه‌ای بود. این دولت با تسلط بر راههای تجارت ابریشم و ادویه و اخذ عوارض گمرکی، درآمدهای هنگفتی به‌دست می‌آورد. تصرف

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.2.6]

حلب توسط دولت عثمانی، مسیرهای صادرات ابریشم ایران به‌سمت اروپا را در اختیار عثمانی‌ها قرار داد و همین امر باعث شد که دولت عثمانی در اندیشه استیلا بر مراکز تولید ابریشم در شمال ایران و قفقاز، یعنی شروان و گیلان برآید (مهمید، ٨٤). کشف راه‌های جدید از سوی دولت‌های اروپایی، از اهمیت مسیرهای زمینی و دریایی عثمانی در صادرات ابریشم از مرز این کشور نکاست. تلاش برای تغییر مسیر تجاری جدید صدور ابریشم به اروپا تهدیدی برای کاهش درآمدهای اقتصاد دولت عثمانی بود. از یک‌سو آسیای صغیر مسیر اصلی حمل و نقل ابریشم و محصولات پشمی ایران به اروپا بود و قفقاز در مسیر راههای عمده تجارت زمینی آسیای صغیر قرار داشت. سالانه سیصدهزار دوکا (دوکات)[1] از بابت حمل و نقل کالا نصیب خزانه دولت عثمانی می‌شد (اینالجق، ٨٠). این دولت با در دست داشتن قفقاز، ارتباط زمینی خود با خان‌های کریمه را حفظ می‌کرد. دولت عثمانی به‌دنبال اهداف اقتصادی خود، در فاصله سال‌های ٩٨٦ تا ٩٩٨/ ١٥٧٨ تا ١٥٩٠م. ایالات غربی ایران را اشغال کرد. از سوی دیگر با تغییر مسیر تجارت ابریشم به‌سوی جنوب و بهره‌گیری از راههای دریایی ایران، مناطق گرجستان و ارمنستان و شروان برای دولت عثمانی دارای اهمیت مضاعف شد و توجه این دولت را به قفقاز جلب کرد. در پی تحقق این ایده، بازرگانان و علمای مذهبی عثمانی از تسلط بر قفقاز حمایت می‌کردند (اندرسون، ١٢).

حکومت عثمانی از همان آغاز در اندیشه فرصتی برای نفوذ به قفقاز بود. این موقعیت در فاصله مرگ شاه‌طهماسب اول تا روی کار آمدن شاه‌عباس اول در اختیار عثمانیان قرار گرفت و آنها در سال‌های٩٨٤- ٩٩٥/ ١٥٧٦- ١٥٨٧م با تصرف نواحی قفقاز و کرانه‌های دریای‌خزر بر راه‌های تجاری منطقه مسلط شدند و راه بازرگانی ولگا- دریای‌خزر که به یک شریان مهم بازرگانی تبدیل شده بود تحت تسلط آنها درآمد (شاو، ٣١٢؛ بارتولد، ١٣٥؛ پیگولوسکایا، ٤٩٦). شورش ابوبکرمیرزا پسر میرزابرهان از سلاطین سابق شروان و تعرض او به ولایات اطراف و اعزام جمعی از

١. Ducat: سکه‌های طلای هلندی و ونیزی. دوکاهای ونیزی ٣/٥٥٩ گرم وزن داشتند و طلای خالص بودند. هر دوکات در دوره طهماسب، پنج بیستی (بیست دیناری) ارزش داشت. تاورنیه ارزش این مسکوک را معادل دو اکوی فرانسه و ٢٦ شاهی به پول ایران می‌نویسد (دیانت، ١٦٦).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.2.6]

اهالی شروان به پایتخت عثمانی برای کسب حمایت سلطان‌مراد، به نفع سیاست دولت عثمانی شد. سلطان‌مراد نیز در سال ۹۸٦/ ۱۵۷۹م شهر قارص را به دژ نظامی و پایگاه عملیاتی شرق تبدیل و از این پایگاه، لشکری را برای تسخیر ولایت آذربایجان و شروان اعزام کرد. او محمدگرای‌خان تاتار، خان کریمه را هم برانگیخت تا از راه دشت خزر به شروان آید که مورد پذیرش وی قرار گرفت. سرانجام نیروهای عثمانی توانستند شروان را به‌تصرف درآورند و بنادر دریای‌خزر و دربند را دراختیار گرفتند (منشی، ۳٦۲/۱– ۳۵۷؛ ابوبکربن عبدالله، ٦۲– ۵۰، ۹۸– ۹۱؛ سلانیکی، ۲۳۸– ۲۳٦).

با تسلط عثمانی‌ها بر دریای سیاه، این دریا کانون اقتصادی دولت عثمانی در مجاورت قفقاز و دارای اهمیت نظامی فوق‌العاده بود و در دوران جنگ با ایران به‌عنوان پایگاه مهمی برای ارسال مواد غذایی، غله و اسلحه از بنادر دانوب و ترابوزان به میدان جنگ مورد استفاده قرار می‌گرفت (اینالجق، ۲۳۵). با حمله ایوان مخوف به خانات تاتار در ناحیه ولگا و تصرف غازان در ۹۵۹ / ۱۵۵۲م و هشترخان در ۹٦۳/ ۱۵۵٦م و نفوذ تا رودخانه تِرک[1] در قفقاز، قدرت روسیه در امتداد حوضه رود ولگا توسعه یافت که زنگ خطری برای دولت عثمانی بود (هولت، ٤۳٦–٤۳۵؛ والتر، ۱۸٤– ۱۸۳). غازان شهری بزرگ بود که از مسیر ولگا به هشترخان پایتخت تاتارهای نوگایی می‌پیوست و این مسیر در ادامه به ساحل دریای‌خزر و شهر گیلان در ایران منتهی‌می‌شد (نک. فن دریابل، ٤٤– ۳۷). روسیه پس از الحاق هشترخان به قلمرو خود کوشید تا قفقاز را به‌تصرف درآورد و برای دست‌یابی به این هدف از تمام امکانات ممکن نظیر اسکان اتباع و هواداران، جلب دوستی، ترویج مسیحیت و استیلای نظامی بهره گرفت (گامر، ۲۰). تصرف این نواحی و گسترش فتوحات روس‌ها در شمال خزر به‌سوی ترکستان، ارتباط بازرگانی و زیارتی ساکنان این مناطق را با حکومت عثمانی از طریق شمال خزر به استانبول و کعبه دچار مشکل کرد (امامی، ۲۸؛ ایتسکویتس، ۱۰۱). تسلط روسیه بر تجارت حوضه ولگا تا شرق هشترخان نه تنها برای دولت عثمانی بلکه برای خانات ماوراءالنهر نیز تهدیدی گسترده بود. خانات این نواحی جهت برقراری تماس با عثمانیان به مسیر مواصلاتی شمال خزر به قفقاز و کریمه توجه ویژه داشتند و خواهان

1 . Terek

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.2.6]

نظارت و تسلط دولت عثمانی بر ایـن مسـیر تجـاری و زیـارتی بودنـد (اینـالجق، ٦٩؛ بارتولد، ١٣٧-١٣٦). روس‌ها نفوذ و اعتبار سیاسی و مذهبی ترکان و منافع تجاری آنها در قفقاز را به‌خطر می‌انداختند. گسترش قلمرو روسیه به‌سـوی خانـات قفقـاز، دولـت عثمانی را از منافع تجاری این منطقه مهم محروم می‌کرد. لذا عثمانیان در واکنش به این عمل به گسترش قلمرو خود در دریای مدیترانه پرداخته و در جهت حفظ و نگهـداری مسیر قدیمی ماوراءالنهر در سمت شرق یعنی قفقاز، تاخت‌وتـاز کردنـد. ایـن اقـدامات به‌هدف حفظ روابط سنتی و تاریخی خود با ماوراءالنهر بود (گندگدو، ١٤٣؛ گامر، ٢١). این دولت از طریق ارتباط با ماوراءالنهر از منافع سرشاری برخوردار مـی‌شـد. واکـنش دولت عثمانی نسبت به گشایش مسیر جدید شمالی توسط روس‌هـا و صـفویه، حفـظ منافع خود در منطقه قفقاز، جلوگیری از نفوذ روس‌هـا و مهـار مسـیرهای مواصـلاتی، طرح ایجاد کانال دن- ولگا بود (گندگدو، ١٥٥- ١٥٣).

طرح اتصال رودهای دن و ولگا در زمان سلطان‌سـلیمان، بـرای تسـلط بـر قفقـاز و هشترخان و تبدیل به شبکه تدافعی مستحکم برای حذف صفوی از قفقاز و آذربایجان، تسهیل ارتباط با ازبکان و تاتارهای کریمه، احیاء مسیر ترانزیتی سنتی ماوراءالنهر مطرح شد (شاو، ٣٠٥؛ پیگولوسکایا، ٤٩٦؛ فریر، ٢٢٧). دولت عثمانی قصد داشت کانالی بـین دو رودخانه ایجاد کند که به ناوگان ایـن دولـت امکـان تـردد در مسـیر رود ولگـا تـا هشترخان را با هدف بیرون راندن روس‌ها از حوضه ولگا و محاصره مناطق شمال‌غرب ایران بدهد. از سویی، امکان ورود کالا و مال‌التجاره از دریای سـیاه توسـط کشـتی بـه دریای‌خزر تسهیل و استیلا بر شروان، قره‌باغ و گرجستان بـرای دولـت عثمـانی میسّـر شود. عثمانی خواهان حاکمیـت بـر خانـات کریمـه، اراضـی چـرکس‌نشـین و قفقـاز، عقب‌نشینی روس و ایران از این مناطق و آزادسازی مسـیر مـاوراءالنهر تـا کریمـه بـود (اینالجق، ٧٠، ٧١؛ فریر، ٢٢٧). این طرح در عمـل بـا عبـور از دریـای‌خـزر، شـمال و شمال‌غرب ایران را مهار کرده و در نتیجه قفقاز را تحت تسلط عثمانی قرار داده و آنهـا مستقیماً با خانات ماوراءالنهر رابطه برقرار می‌کردند. این طرح هم‌زمان با تقاضای حکام گیلان و شروان از سلطان عثمانی برای مقابله با دولت صـفوی و بـه‌رسـمیت شـمردن حاکمیت عثمانی پیشنهاد شده بود.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.2.6]

در این طرح، غازان به‌دلیل قرارگرفتن در کنار ولگا نقطه‌ای کلیدی محسوب می‌شد و از این نقطه پشتیبانی نظامی و حمل محموله‌های کشتی آسان‌تر و تسلط بر مرکز راه‌های ترانزیتی ممکن می‌شد (گندگدو، ۱۵۱). این طرح که برای اجرا، نیازمند نیروی انسانی، بودجه، ابزارها و وسایل لازم بود، سرانجام به‌دلیل نبود ابزار و فن‌آوری، کشمکش قدرت در دولت، عدم همراهی خان کریمه به‌واسطه ترس از تحکیم نظارت عثمانی بر خان‌نشین کریمه، گزینش نادرست قاسم‌میرزا حاکم کفه برای اجرای این طرح و اوضاع جغرافیایی و اقلیمی، با شکست مواجه و متوقف شد (ایتسکویتس، ۱۰۲؛ شاو، ۳۰؛ فریر، ۲۲۷). به‌رغم بی‌نتیجه ماندن این طرح، تلاش‌های عثمانی برای سیطره بر قفقاز همچنان تداوم داشت.

پیامدها

براساس آگاهی‌های فوق، اهمیت حیاتی قفقاز جنوبی (از نگاه ایرانیان) در موقعیت راهبردی و راههای ارتباطی نظامی و بازرگانی آن موجب رقابت چندین رقیب نیرومند شد؛ امپراتوری عثمانی، خان‌های کریمه و شیبانی‌های ترکستان در غرب و شرق، مسکو و قبایل بزرگ نوگای در شمال، و ایران در جنوب در عرصه به رقابت با هم پرداختند. تسلط بر قفقاز برای مسکو به‌معنی دسترسی به آبهای گرم و بازار ایران و تحقق رؤیای دست‌یابی به هند بود. برای دولت عثمانی و خان‌های کریمه نیز تسلط بر قفقاز، ارتباط نظامی با دربند و امکان دور زدن ایران از طریق شروان را دربرداشت و بالاخره برای شیبانی‌ها نیز یک راه باز برای حجاج بخارا و آخرین حلقه اتصال میان ترک‌های شرقی و غربی به‌شمار می‌آمد (گامر، ۲۰). چرا که با ظهور صفویه، ساکنان ماوراءالنهر به‌ویژه اوزبکان برای ارتباط با دولت عثمانی و سفر به مکان‌های زیارتی و حرمین شریفین با مشکل روبه‌رو شدند. واکنش اوزبکان ایجاد راه ارتباطی از طریق نواحی شمالی دریای‌خزر و عبور از قفقاز به قلمرو عثمانی بود، این مسئله خود باعث اهمیت بیشتر قفقاز در این دوره شد.

هرکدام از قدرت‌های مذکور در پی گستراندن سلطه خود بر قفقاز و برقراری رابطه با فرمانروایان محلی یا قبایل ساکن قفقاز، به اقداماتی حتی از طریق ازدواج یا از طریق تغییر مذهب، دست زدند تا بتوانند مهار دو راه نظامی و بازرگانی این منطقه را که از

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.2.6]

اهمیت برخوردار بودند به‌دست آورند: یکی راه غربی- شرقی تامـان (آزاک)- دربنـد- باکو- تبریز و دیگری راه شمال- جنوبی آستراخان- دربند- تبریز (همان، ٤٤). در ایـن میان تنش‌ها و درگیری‌های صفویه- عثمانی افـزون‌بـر تضـعیف منـابع مـالی و نیـروی انسانی دو طرف، پیامدهای ناگواری بر وضعیت قفقاز به‌ویژه حیات اقتصادی آن به‌جـا می‌گذاشت. تخریب مناطق حاصل‌خیز و کاهش تولیدات کشاورزی و ابریشـم، غـارت دام و طیور، تخریب باغ‌ها و مزارع، اسارت مردم و کوچ به دیگر نـواحی و در نهایـت، ضعف اقتصادی این منطقه، از این نوع پیامدها بود. همچنین، تنش‌های صفویه- عثمانی در قفقاز، زمینه‌های ورود روسیه به این منطقه را تسهیل کرد. از سـویی، ایـن تـنش‌هـا پیامدهای دیگری نیز داشت ازجمله افزایش درگیری‌ها و منازعات بین اقـوام مسـلمان، کاهش تهدید دولت عثمانی برای اروپائیان، اتحاد ایران و برخی کشورهای اروپایی علیه دولت عثمانی و در نتیجه روآوری اروپاییان به‌دنبال منافع خود به‌سوی مشـرق‌زمـین و حضور آنان در آسیا، شورش جلالیان[1] در ناحیـه آنـاتولی کـه بحرانـی را بـرای دولـت عثمانی از نظر منابع و نیروی انسانی و ازدست دادن سرزمین‌های متصـرفی زیـادی در قفقاز به‌بار آورد. نیز روآوری صفویه به تأسیس ارتش دائمی با تکیه بر نیروها و عناصر قفقازی (گرجی، ارمنی و چرکس) در دوره شاه‌عباس را، که یکی از اهداف آن مقابله با تهدیدات دولت عثمانی بود (شاردن، ۱۱۸۹/۳؛ بیانی، ۸۲؛ طاهری، ۳۷۱- ۳٦۸)، می‌توان در ارتباط با این تنش‌ها دانست. سرانجام جدا شدن گرجستان و ارمنسـتان از ایـران از دیگر پیامدهای تاریخی این رویارویی‌ها بود که دامن‌گیر تاریخ ایـران شـد. زمینـه‌هـای جدایی این مناطق مسیحی‌نشین به دوره جنگ‌ها و رقابت‌های ایران و عثمانی در قفقـاز مربوط می‌شود. با تسهیل زمینه دخالت روسیه در قفقـاز و توجـه مـردم مسـیحی ایـن مناطق به روسیه، به‌ویژه با فروپاشی صفویه، آرایکلی حاکم گرجستان درصدد جدایی از ایران و پیوستن به روسیه به‌عنوان هم‌کیش مذهبی خود بود. سـرانجام همـین اقـدامات زمینه‌ساز جدایی و وابستگی این منـاطق بـه روسـیه در ابتـدای دوره قاجـار (براسـاس عهدنامه‌های گلستان و ترکمنچای) شد.

۱. در باره جلالیان، نک. منشی، ۱۲۷۵/۲- ۱۲۵۸؛ فلسفی، ۱۷۵۲/۵- ۱۷٤۷.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.2.6]

نتیجه

وضع جغرافیایی، تاریخی و تمدنی، قفقاز را به منطقه‌ای مهم و راهبردی تبدیل کرد. چنین شرایطی به همراه تنوع قومی- نژادی و مذهبی و توانمندی‌ها و مزایای اقتصادی در زمینه کشاورزی، تولید ابریشم، صادرات، راه‌ها و خطوط بازرگانی، موجب روآوری حکومت‌ها به این ناحیه شد. در دوره صدساله از شاه‌طهماسب اول تا پایان حکومت شاه‌عباس اول، دو دولت صفوی و عثمانی برای حاکمیت بر این منطقه در ابعاد مختلف با یکدیگر به رقابت پرداختند که افزون بر علل سیاسی و مذهبی، بهره‌مندی از توانمندی‌های اقتصادی قفقاز برای هر دو دولت مطرح بود. تملک اراضی کشاورزی و ابریشم‌خیز حاشیه دریای خزر، شروان و گرجستان، تسلط بر راه‌های مواصلاتی ارمنستان و راه‌های ارتباطی شرق به غرب و شمال به جنوب، تنظیم تجارت و اخذ عوارض گمرکی از تجار و بازرگانان منطقه، جذب نیروی انسانی فراوان و ماهر در زمینه تجاری و بازرگانی و صنعتی (به‌ویژه ارامنه) و بهره‌برداری از ظرفیت اقتصادی و اجتماعی (کلیساهای ارمنی و گرجی)، فرصت‌هایی را برای نفوذ در قفقاز برای هر دو دولت ایجاد می‌کرد. به‌دلیل اهمیتی که قفقاز به‌لحاظ اقتصادی و راهبردی برای دولت صفویه داشت، پادشاهان صفوی در تمام بحران‌ها و درگیری‌ها با عثمانی‌ها تلاش می‌کردند تا قفقاز را از حوزه نفوذ دولت عثمانی خارج کنند و برای حفظ و نگهداری آن تلاش گسترده‌ای به‌کار بردند. دولت عثمانی نیز با تلاش برای تسلط بر قفقاز و تثبیت موقعیت و حفظ منافع اقتصادی خود حتی در صدد اجرای طرح پرهزینه کانال دن-ولگا در مقابل جاده شمال به جنوب برآمد. بهره‌وری از مزایای اقتصادی و تسلط بر راههای ارتباطی قفقاز برای هرکدام از این قدرت‌ها اقدامی در حفظ برتری قدرت در منطقه و کاهش حضور دیگری می‌شد و از انگیزه‌های مذهبی نیز در تقویت موضع خود سود می‌جستند. با وجود قراردادهای متعدد میان صفویه و عثمانی، نزاع و بحران بر سر قفقاز بین دو قدرت پابرجا بود و پیامدهای گوناگونی برای هر دو دولت به‌همراه داشت. هرچند شاه‌عباس اول در زمان خود توانست در مقابله با نفوذ دولت عثمانی در قفقاز توازن قوا را به سود ایران تغییر دهد، اما تنش‌های صفویه- عثمانی تا صلح زهاب (۱۰۴۹/ ۱۶۳۹م) به درازا کشید و در رویارویی آنها در قفقاز، اهداف و مزایای اقتصادی یکی از عوامل مهم تنش میان طرفین بوده‌است.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.2.6]

منابع

ـ ابوبکربن عبدالله، *تاریخ عثمان پاشا (شرح یورش عثمانی به قفقاز و آذربایجان و تصرف تبریز)۹۹۶- ۹۹۳ق.*، ترجمه و توضیحات نصرالله صالحی، تهران، طهوری، ۱۳۸۷.

ـ ادواردز، آرتور، سفرنامه، در: *سفرنامه‌های انگلیسی‌ها در ایران*، ترجمه ساسان طهماسبی، قم، مجمع ذخائر اسلامی با همکاری کتابخانه و موزه ملی ملک، ۱۳۹٦.

ـ *اسنادی از روابط ایران با منطقه قفقاز*، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲.

ـ اشترویس، یوهان، *سفرنامه یوهان اشترویس*، ترجمه ساسان طهماسبی، قم، مجمع ذخائر اسلامی با همکاری کتابخانه و موزه ملی ملک (تهران)، ۱۳۹٦.

ـ امامی خوئی، محمدتقی، «صلح آماسیه از دیدگاه مورخین ترک»، *مطالعات تاریخی*، س۳، ش ۸-۷، بهار و تابستان ۱۳۸٤.

ـ امیراحمدیان، بهرام، «جغرافیای قفقاز»، *آران*، س۵، ش ۱۳و۱٤، پاییز و زمستان ۱۳۸٦.

ـ اندرسون، پری، *دارالاسلام- امپراطوری عثمانی*، ترجمه آرسن نظریان، تهران، پویش، ۱۳۵۸.

ـ اولئاریوس، آدام، *سفرنامه اولئاریوس*، ترجمه حسین کردبچه، بی‌جا، کتاب‌برای‌همه، ۱۳٦۹.

ـ ایتسکویتس، نورمن، *امپراطوری عثمانی و سنت اسلامی*، ترجمه احمد توکلی، تهران، پیکان، ۱۳۷۷.

ـ اینالجق، خلیل، *امپراطوری عثمانی عصر متقدم ۱٦۰۰- ۱۳۰۰*، ترجمه کیومرث قرقلو، تهران، بصیرت، ۱۳۸۸.

ـ بارتولد، واسیلی ولادیمیروویچ، *جایگاه مناطق اطراف دریای خزر در تاریخ جهان اسلام*، ترجمه لیلا رُبن‌شه، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۵.

ـ باستانی‌پاریزی، محمدابراهیم، *سیاست و اقتصاد عصر صفوی*، تهران، صفی‌علیشاه، ۱۳٦۲.

ـ برجیان، حبیب، «ترکیب قومی قفقاز»، *آران*، س٤، ش۹، بهار ۱۳۸۵.

ـ بیانی، خانبابا، *تاریخ نظامی ایران در دوره صفویه*، تهران، ستاد بزرگ ارتشتاران، ۱۳۵۳.

ـ پاسدرماجیان، هراند، *تاریخ ارمنستان*، ترجمه محمد قاضی، تهران، تاریخ ایران، ۱۳٦٦.

ـ پلامتری، لیونل، *سفرنامه*، در: *سفرنامه‌های انگلیسی‌ها در ایران*، ترجمه ساسان طهماسبی، قم، مجمع ذخائر اسلامی با همکاری کتابخانه و موزه ملی ملک (تهران)،

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.2.6]

۱۳۹٦.
ـ پیگولوسکایا، ن. و دیگران، *تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هجدهم*، ترجمه کریم کشاورز، تهران، پیام، ۱۳۵۳.
ـ تاورنیه، ژان باپتیست، *سفرنامه تاورنیه*، ترجمه ابوتراب نوری، تصحیح حمید شیرانی، چ٤، تهران، سنایی- تأیید، ۱۳٦۹.
ـ ثواقب، جهانبخش و احمد لعبت‌فرد، «واکاوی رویارویی مذهبی صفوی و عثمانی در قفقاز (۹۳۰- ۱۰۳۸ق/ ۱۵۲۳ تا ۱٦۲۹م)»، *پژوهش‌های تاریخی*، س۵۳، دوره جدید، س۹، ش٤(پیاپی ۳٦)، زمستان ۱۳۹٦.
ـ جملی کارری، جووانی فرانچسکو، *سفرنامه کارری*، ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، چ۲، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.
ـ جنکینسون، آنتونی، *سفرنامه*، در: *سفرنامه‌های انگلیسی‌ها در ایران*، ترجمه ساسان طهماسبی، قم، مجمع ذخائر اسلامی با همکاری کتابخانه و موزه ملی ملک (تهران)، ۱۳۹٦.
ـ چاپمن، لورنس، *سفرنامه*، در: *سفرنامه‌های انگلیسی‌ها در ایران*، ترجمه ساسان طهماسبی، قم، مجمع ذخائر اسلامی با همکاری کتابخانه و موزه ملی ملک (تهران)، ۱۳۹٦.
ـ حسینی، حمید، «عوامل فرهنگی- مذهبی تنش بین صفویه و عثمانی»، *سخن تاریخ*، ش۵، تابستان ۱۳۸۸.
ـ حسینی، حمید، «عوامل سیاسی اجتماعی تنش میان صفویه و عثمانی»، *سخن تاریخ*، ش۹، تابستان ۱۳۸۹.
ـ حسینی، حمید، «عوامل اقتصادی تنش بین صفویه و عثمانی»، *سخن تاریخ*، ش۱۰، پاییز ۱۳۸۹.
ـ دالساندری، وینچنتو، سفرنامه، در: *سفرنامه‌های ونیزیان در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، چ۲، تهران، خوارزمی، ۱۳۸۱.
ـ دلاواله، پیترو، *سفرنامه پیترو دلاواله*، ترجمه شعاع‌الدین شفا، چ۲، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰.
ـ دهقان‌نژاد، مرتضی، «ابریشم و تأثیر آن در روابط خارجی ایران و اروپا در عصر صفوی»، *مجموعه مقالات همایش صفویه در گستره تاریخ ایران‌زمین*، به‌اهتمام مقصودعلی صادقی، تبریز، ستوده، ۱۳۸۳.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.2.6]

ـ دیانت، ابوالحسن، *فرهنگ تاریخی ارزش‌ها و سنجش‌ها*، تبریز، نیما، ۱۳٦۷.
ـ رضا، عنایت‌الله، «سخنی کوتاه پیرامون قفقاز»، *ایران و قفقاز (اران و شروان)*، گردآورنده پرویز ورجاوند، تهران، قطره، ۱۳۷۸.
ـ رضایی، زهرا ، نقش قفقاز در روابط دو دولت صفوی و عثمانی در دوره اول حکومت صفوی (۹۹٦– ۹۰۷ق/ ۱۵۸۸– ۱۵۰۰م)، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، ۱۳۸۸.
ـ روملو، حسن‌بیک، *احسن‌التواریخ*، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران، اساطیر، ۱۳۸٤.
ـ سلانیکی، مصطفی افندی، *تاریخ سلانیکی(۱۰۰۸– ۹۷۱ق)*، تصحیح و ترجمه نصرالله صالحی، تهران، طهوری، ۱۳۸۹.
ـ سلماسی‌زاده، محمد، «شیروان در دوره صفوی»، *ایران‌شناخت*، ش ۳، زمستان ۱۳۷۵.
ـ سیوری، راجر، *ایران عصر صفوی*، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران، مرکز، ۱۳۷۲.
ـ شاردن، ژان، *سفرنامه شاردن*، ترجمه اقبال یغمایی، تهران، توس، ۱۳۷۲، ۱۳۷٤.
ـ شاو، استانفورد جی، *تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید*، ترجمه محمود رمضان‌زاده، مشهد، آستان قدس، ۱۳۷۰.
ـ شرف، عبدالرحمن، «اوزتیموراوغلی عثمان‌پاشا»، تاریخ عثمانی انجمنی مجموعه‌سی، سلسله مقالات، س٤، ش۲۱، استانبول، ۱۳۲۹.
ـ طاهری، ابوالقاسم، تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران از مرگ تیمور تا مرگ شاه عباس، چ۳، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰.
ـ عقیلی، عبدالله، *دارالضرب‌های ایران در دوره اسلامی*، تهران، بنیاد موقوفات محمود افشار، ۱۳۷۷.
ـ فریر، رانلد، «تجارت در دوره صفویان»، *تاریخ ایران (دوره صفویان)*، ترجمه یعقوب آژند، تهران، جامی، ۱۳۸۰.
ـ فلسفی، نصرالله، *زندگانی شاه عباس اول*، چ٤، تهران، علمی، ۱۳٦۹.
ـ فن دریابل، ژرژ تکتاندر، *ایترپرسیکوم*، ترجمه محمود تفضلی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۱.
ـ فوران، جان، *مقاومت شکننده*، ترجمه احمد تدین، چ۱٤، تهران، رسا، ۱۳۹۲.
ـ کاتف، فدت آفاناس یویچ، *سفرنامه کاتف*، ترجمه محمدصادق همایونفرد، تهران، کتابخانه ملی، ۲۵۳٦.
ـ کمپفر، انگلبرت، *سفرنامه*، ترجمه کیکاووس جهانداری، چ۳، تهران، خوارزمی، ۱۳٦۳.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.2.6]

ـ کتتارینی، آمبروزیو، *سفرنامه*، در: *سفرنامه‌های ونیزیان در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، چ۲، تهران، خوارزمی، ۱۳۸۱.
ـ گامر و دیگران، *دو قرن مبارزه مسلمانان قفقاز*، ترجمه غلامرضا تهامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷.
ـ گندگدو، عبدالله، «عثمانی و تجارت جهانی؛ طرح‌هایی برای بازگشت به سرمایه تاریخی»، ترجمه نصرالله پورمحمدی املشی، *نامه تاریخ‌پژوهان*، س۵، ش ۱۹، ۱۳۸۸.
ـ گوگچه، جمال، *قفقاز و سیاست امپراتوری عثمانی*، ترجمه وهاب ولی، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳.
ـ لعبت‌فرد، احمد، رویارویی‌های صفویان و عثمانیان در قفقاز از شاه‌طهماسب یکم تا پایان فرمانروایی شاه‌عباس یکم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۸۹.
ـ متی، رودلف پ، *اقتصاد و سیاست خارجی عصر صفوی*، ترجمه حسن زندیه، قم، پژوهشگاه حوزه ودانشگاه، ۱۳۸۷.
ـ مستوفی بافقی، محمدمفید، *مختصر مفید*، به‌کوشش ایرج افشار و محمدرضا ابویی مهریزی، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، ۱۳۹۰.
ـ ممبره، میکله، *سفرنامه میکله ممبره*، ترجمه ساسان طهماسبی، اصفهان، بهتاپژوهش، ۱۳۹۳.
ـ منشی، اسکندربیگ، *تاریخ عالم‌آرای عباسی*، تصحیح محمداسماعیل رضوانی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۷۷.
ـ مهمید، محمدعلی، *پژوهشی در تاریخ دیپلماسی ایران*، تهران، میترا، ۱۳۶۱.
ـ والتر، کلنل، *تاریخ روسیه*، ترجمه نجفقلی معزی، تهران، حافظ، ۱۳۶۳.
ـ ویلز، ریچارد، *سفرنامه*، در: *سفرنامه‌های انگلیسی‌ها در ایران*، ترجمه ساسان طهماسبی، قم، مجمع ذخائر اسلامی با همکاری کتابخانه و موزه ملی ملک (تهران)، ۱۳۹۶.
ـ هولت، پی. ام. و دیگران، *تاریخ اسلام کمبریج*، ترجمه تیمور قادری، تهران، مهتاب، ۱۳۸۷.
_ Aktepe, Munir, *Osmanli- Iran Siyasi Munasebetleri 1720- 1724*, Istanbul, 1970.
_ Kirzioglu, Fahrettin, *Osmanlilar,in Kafkas- Elleri,ni Fathi*, Ankara, Sevinc Matbaasi, 1976.
_ Kutukoglu, Bekir, *Osmanli- Iran Siyasi Munasebetleri*, Istanbul, Edebiyat Fakultesi Matbaasi, 1962.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.2.6]